

حادثه

انهدام باند کلاهبرداری ۴ میلیارد تومانی

● شرق: چهار عضو اصلی باند تبهکاری که بیش از ۴میلیارد تومان از ۲۰۰ نفر کلاهبرداری کرده بودند شناسایی و دستگیر شدند. چندی قبل افرادی با مراجعه به پلیس آگاهی استان البرز از فردی به نام «علی ف» شکایت و اعلام کردند علی پس از اخذ مبلغ ۵۵ میلیون تومان به هریک از آنها یک واحد آپارتمان به صورت قولنامه‌ای فروخته اما بعد از مدتی همان ملک را با اسناد معجول به چندین نفر دیگر واگذار کرده و متواری شده است. در جریان تحقیقات مشخص شد فرد متواری چند سال قبل دفتر فروش املاک در منطقه حیدرآباد کرج تأسیس کرده و با همدستی سه نفر دیگر باند کلاهبرداری تشکیل داده است. همچنین فاش شد متهمان قبل از شکایت مالباختگان دفتر خود را تخلیه کرده و به استان‌های مختلف، متواری شده‌اند و سعی دارند به صورت غیرمجاز از طریق مرز زمینی از کشور خارج شوند. با شناسایی رد یکی از متهمان وی که به کرج برگشته بود دستگیر شد. در ادامه دیگر اعضای باند به دام افتادند و مشخص شد این افراد از تعداد بیش از ۲۰۰ نفر مبلغ بیش از ۴میلیارد تومان کلاهبرداری کرده‌اند.

اعتراف به سرقت از ۲۳ مشتری بانک

● پلیس خبر:سارقان حرفه‌ای با تعقیب ۲۳ مشتری بانک پول‌های آنها را از خودروشان سرقت کردند. سرهنگ «مراد جعفری» جانشین فرمانده انتظامی استان زنجان در این باره گفت: اعضای این باند با کمین مقابل بانک‌ها افرادی را که وجه نقد از بانک اخذ می کردند تحت تعقیب قرار می دادند و در فرصت مناسب و زمانی که فرد خودرو را رها می کرد، دزدی را انجام می دادند. این مقام انتظامی تصریح کرد: از آنجا که سارقان طعمه‌های خود را از مشتریان بانک‌ها انتخاب می کردند پلیس با کنترل ویژه موفق شد متهمان را شناسایی کند.

سپس مشخصات آنها به واحدهای گشتی سطح شهر اعلام شد و ماموران موفق شدند با شلیک تیر هوایی و تعقیب و گریز خودرو آنها را متوقف و راننده را دستگیر کنند. وی با بیان اینکه دو عضو دیگر این گروه که موفق به فرار شده بودند نیز در جریان تحقیقات به دام افتادند گفت: متهمان در مجموع به ۲۳ فقره سرقت در شهرهای زنجان، خدابنده، همدان و... اعتراف کردند.

شرق: مرد جوانی که حین کیف‌قاپی باعث مرگ زنی مسن شده توسط کارآگاهان پلیس آگاهی تهران به دام افتاد و ادعا کرد زمان سرقت متوجه نشد اتفاقی برای مالباخته رخ داده است. به گزارش خبرنگار ما، کارآگاهان جنایی پلیس آگاهی تهران ۳۰ مردادماه در جریان مرگ مشکوک زنی ۶۴ساله به نام صغری قرار گرفتند. این زن که در بیمارستان رسول اکرم (ص) بستری بود بعد از هشت‌روز دست و پنجه نرم کردن با مرگ جانش را از دست داد و ضربه مغزی علت فوت او تشخیص داده شده بود. وقتی دختر صغری به ماموران گفت کیف مادرش از زمان انتقال او به بیمارستان مفقود شده است احتمال وقوع کیف‌قاپی مطرح شد و کارآگاهان جنایی تجسس‌های خود را روی ردیابی کارت‌های عابر بانک متوفی متمرکز کردند و متوجه شدند فردی بعد از انتقال صغری به بیمارستان از حساب وی پول برداشت کرده است. کارآگاهان با بررسی دوربین‌های مدار بسته بانکی که از آنجا پول برداشت شده بود تصویر مرد جوانی را به دست آوردند. آنها بعد از مراجعه به بانک اطلاعاتی پلیس فهمیدند فرد موردنظر جوان سابقه‌داری به نام مهدی است که تاکنون چندبار به اتهام سرقت و حمل موادمخدر دستگیر و زندانی شده است. تلاش‌ها برای ردیابی و دستگیری مهدی تا روز دوشنبه هفته جاری به طول انجامید و بالاخره وی دستگیر شد. مهدی در اعترافاتش به سرقت کیف صغری اقرار کرد اما گفت اصلا متوجه وقوع حادثه برای او نشده بود. اظهارات این جوان معتاد و شواهد دیگر فاش کرد هنگامی که او قصد داشت کیف صغری را در خیابان ستارخان بسدزد این زن به زمین خورد و بر اثر اصابت سرش به آسفالت دچار ضربه

شرق: مرد میانسال که همسر صیغه‌ای خود را به قتل رسانده بود با حکم دادگاه به حبس و پرداخت دیه محکوم شد. به گزارش خبرنگار ما، ماموران اواخر سال ۸۹ با شکایت مردی میانسال به نام کسرا در جریان مفقود شدن همسرش قرار گرفتند. کسرا در اولین شکایتش به ماموران گفت همسرش مژگان مدتی است گم شده و از او خبر ندارد. بررسی‌ها نشان داد مژگان همسر دوم کسراست و چند ماه قبل از مفقود شدن به عنوان همسر موقت به عقد او آمده بود. با توجه به شکایت کسرا و اطلاعاتی که او در اختیار ماموران قرار داده بود چند نفر از کسانی که احتمال می رفت در جریان سرنوشت این زن باشند شناسایی شدند و تحت

بازجویی قرار گرفتند اما اطلاعاتی که بتواند سرنوشت این زن را روشن کند به دست نیامد. بنابراین ماموران یکبار دیگر کسرا را مورد بازجویی قرار دادند چرا که یافته‌های‌شان حکایت از آن داشت که مژگان آخرین بار همراه شوهرش به خانه رفته بود. وقتی کسرا مورد بازجویی قرار گرفت به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت جسد مژگان را دفن کرده‌است. این مرد به ماموران گفت: من و مژگان چند ماهی بود که با هم

حوادث

متهم مردی سابقه‌دار و معتاد است که برای خرید مواد دست به سرقت زد

مرگ زن مسن هنگام وقوع کیف‌قاپی



مغزی شد. متهم در حال حاضر در بازداشت به سر می برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

گفت‌وگو با متهم

مهدی صبیح دیروز در اداره ۱۰ پلیس آگاهی در حالی که در برابر دوربین عکاسان خنده بر لب داشت به سوالات خبرنگار ما پاسخ گفت.

● چرا وقتی می خواهند از تو عکس بگیرند، می خندی؟ -از بچگی ام تا حالا این همه از من عکس نگرفته بودند. برای همین می خندم. ● از چه زمانی معتاد شدی و چه ماده‌های مصرف می کردی؟ -از ۱۵ سال پیش. شیشه مصرف می کردم البته ۲۰ روز بعد از سرقت خیابان ستارخان به کمپ رفتم تا ترک کنم ● تحصیلات چقدر است؟

متهم در دادگاه اعتراف کرد

قتل زن صیغه‌ای به خاطر حسادت به همسر اول

ازدواج کرده بودیم. من از گذشته مژگان خبر داشتم و می دانستم از شوهرش جدا شده و با مادرش زندگی می کند.

ما با هم ازدواج کردیم و صاحب یک دختر شدیم. از وقتی بچه‌دار شده بودیم مژگان خیلی بهانه‌گیری می کرد و می گفت باید به او بیشتر از همسر اولم توجه کنیم. متهم ادامه داد: این روز خیلی عصبانی شدم. او را کشتم و در خانه دفنش کردم. پلیس در ادامه تحقیقات خود به محلی که کسرا مدعی بود جسد را دفن کرده، رفتند و جنازه متلاشی شده مقتول را بیرون آوردند و به پزشکی قانونی منتقل کردند. در ادامه پرونده تکمیل و صحنه قتل نیز بازسازی شد و با صدور کیفرخواست پرونده به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. جلسه محاکمه کسرا روز گذشته برگزار شد. در ابتدای جلسه محاکمه، نماینده دادستان در جایگاه حاضر شد و گفت مدارک علیه کسرا کامل است.

نماینده دادستان ادامه داد: با توجه به اینکه مادر مقتول در قبال دریافت دیه اعلام رضایت کرده و ولی قهری دختر مقتول نیز درخواست پرداخت دیه کرده به عنوان نماینده دادستان تهران درخواست صدور رای قانونی به لحاظ جنبه عمومی جرم را دارم. با توجه به اینکه اولیای دم در دادگاه حضور نداشتند متهم در جایگاه حضور یافت. او گفت: اتهام قتل را قبول دارم و می دانم که نباید این کار را می کردم اما در لحظه‌ای که مرتکب این قتل شدم اصلا در حالت عادی نبودم. متهم ادامه داد: چند ماه قبل از ازدواج مان با مژگان که تازه از شوهرش جدا شده بود، آشنا شدم. مژگان ۲۸ سال بیشتر نداشت و خیلی جوان و زیبا بود. من با او ازدواج کردم، البته به صورت صیغه‌ای او را به عقد خودم درآوردم.

چند ماه اول زندگی مان خیلی خوب بود اما بعد مشکلات زیادی پیدا کردیم. او خیلی ناراحت بود و به

این موضوع با مادرم دعوایم شد و از خانه بیرون زدم. اول به ساندویچی رفتم و بعد موتور دوستم را بدون اطلاعش برداشتم و با آن سرقت کردم. یادم نیست داخل کیف چقدر پول بود من با ۶۰ یا ۷۰ هزار تومان برای خودم شیشه خریدم.

● متوجه نشدی موقع سرقت به آن زن صدمه وارد کردی؟

-من فقط صدای جیغ شنیدم که آن هم طبیعی است اصلا نفهمیدم او زمین خورده است.

● الان درباره کاری که انجام داده‌ای چه فکری می کنی؟ -تراختم.

گفت‌وگو با دختر متوفی

دختر صغری نیز در گفت‌وگو با خبرنگار ما به سوالاتی جواب داد.

● چطور از وقوع حادثه مطلع شدی؟

-آن روز مادرم ساعت ۱۱ صبح از خانه بیرون رفت تا قسط‌هایش را بدهد. مستخدم مادرم با من تماس گرفت و گفت حال او بد است و من هم سریع خودم را رساندم اما نمی دانستم چه اتفاقی افتاده است.

● چگونه از ماجرای کیف‌قاپی مطلع شدی؟

-آن موقع نفهمیدم اما شب وقتی به خانه رفتم یادم آمد کیف مادرم همراهش نیست و از کیف ۳۰۰ هزار تومان پول داشت. کارت‌های عابر بانکش هم بود.

● علت فوت مادرتر چه بود؟

-وقتی در بیمارستان عکس گرفتند، گفتند خونریزی مغزی دارد او را جراحی کردند و بعد هم به کما رفت و پس از هشت‌روز فوت شد.

همسر اول من حسادت می کرد و می گفت که نباید به همسر اولم بیشتر از او توجه کنم. در مورد همه چیز خودش را با همسر اولم مقایسه می کرد. خیلی از دست او ناراحت بودم چون فکر می کردم با او می توانم زندگی خوبی داشته باشم اما مژگان با بهانه‌گیری‌هایش زندگی را برای من جهنم کردید.و بهمین ماه ۸۹ بود. روز خیلی سردی بود و من و مژگان بیرون بودیم. دوباره با هم دعوا کردیم. هر وقت عصبانی می شد هر چه دوست داشت به من می گفت.

من دو خانه داشتم که در یکی همسر اولم و بچه‌هایم زندگی می کردند و دومی خالی بود. او را به خانه دوم بردم. در آنجا با هم درگیر شدیم و او را خفه کردم. زمانی که داشتم مژگان را خفه می کردم اصلا حالت عادی نداشتم. وقتی به خودم آمدم خیلی پشیمان شدم. متهم ادامه داد: خیلی درمانده بودم، نمی دانستم باید چه کار کنم. تصمیم گرفتم جسد را مخفی کنم. کف کمد دیواری خانه را کندم و گودالی درست کردم. جسد مژگان را داخل گودال گذاشتم و رویش را با خاک پوشاندم. بعد با آجر خاک‌ها را مخفی کردم و روی زمین را سیمان گرفتم. وقتی همه چیز مرتب شد تصمیم گرفتم به پلیس خبر بدهم و بگویم که همسرم گم شده است.

کسرا گفت: ما بچه داشتیم و من نمی توانستم به دخترم بگویم که مادرش را کشته‌ام. به همین دلیل هم تصمیم گرفتم بگویم که او گم شده است. ضمن اینکه بسا لو رفتن ماجرا زندگی بچه‌هایم هم تحت تاثیر قرار می گرفت اما در نهایت مجبور به اعتراف شدم.

متهم در پاسخ به اینکه چطور توانست از اولیای دم رضایت بگیرد، گفت: مادر مژگان قبول کرد در قبال دریافت دیه رضایت دهد و من به او پول دادم. دخترم هم کوچک است و ولی قهری در خواست دیه کرده است. بنا بر این گزارش، با پایان دفاعیات متهم و وکیل مدافعش هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند. آنها کسرا را به ۱۰ سال حبس که چهار سال آن تعزیری و شش سال تعلیقی است و همچنین پرداخت دیه سهیم صغیر در حق دختر مقتول، محکوم کردند.

دستگیری دو نوجوان ۱۴ ساله به اتهام سرقت

۱۴ساله‌ای به نام «هانی» است.» بنا براین گزارش هانی در بازجویی‌های پلیسی گفته است: فردی به نام «ذبیح» معروف به «ذبیح قصاب» او را مجبور به سرقت موتورسیکلت کرده و گفته اگر برایش موتور نذرزد او را می کشد.» او توضیح داد: «از حدود ۱۵ روز پیش به اتفاق دوستم «ذبیح قصاب» حدود هفت دستگاه موتورسیکلت را در خیابان‌های موسوی کیانی، آبنمگل و زیر پل ری سرقت کردیم و امروز -روز حادثه- در جریان سرقت هشتمین موتورسیکلت دستگیر شدم. همه موتورها را در اختیار ذبیح قرار دادم تا بفروشد و بعدا با من حساب و کتاب کند. به دنبال اظهارات متهم و با راهنمایی‌های وی ماموران بلافاصله به محل سکونت «ذبیح» که در محدوده امامزاده یحیی ساکن بود مراجعه کردند و متهم را که نوجوان ۱۴ ساله افغان بود دستگیر و برای تحقیقات بیشتر به کلانتری منتقل کردند. ذبیح پس از دستگیری تحت بازجویی‌های پلیسی قرار گرفت. وی در تحقیقات پلیسی اظهار کرد: سه فقره از سرقت‌ها را همراه «هانی» بودم. ما بعد از دزدی موتورها را در کوچه، پس کوچه‌ها را می کردیم. این پرونده اکنون در اختیار کارآگاهان پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته است.



ری سرقت کردیم و امروز -روز حادثه- در جریان سرقت هشتمین موتورسیکلت دستگیر شدم. همه موتورها را در اختیار ذبیح قرار دادم تا بفروشد و بعدا با من حساب و کتاب کند. به دنبال اظهارات متهم و با راهنمایی‌های وی ماموران بلافاصله به محل سکونت «ذبیح» که در محدوده امامزاده یحیی ساکن بود مراجعه کردند و متهم را که نوجوان ۱۴ ساله افغان بود دستگیر و برای تحقیقات بیشتر به کلانتری منتقل کردند. ذبیح پس از دستگیری تحت بازجویی‌های پلیسی قرار گرفت. وی در تحقیقات پلیسی اظهار کرد: سه فقره از سرقت‌ها را همراه «هانی» بودم. ما بعد از دزدی موتورها را در کوچه، پس کوچه‌ها را می کردیم. این پرونده اکنون در اختیار کارآگاهان پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته است.

نگاه

الگوی شناسایی مجرمان

ناصر قاسمزاد*

در خبرها داشتیم فرد معتادی حین زورگیری باعث مرگ زنی عابر شده است، در این خصوص چند نکته حایزاهمیت است.

نخست آنکه تعادل روانی که فرد نرمال باید داشته باشد قطعا در این متهم دیده نمی‌شود. افرادی که اقدام به زورگیری و کیف‌قاپی می کنند از نظر قانون مجرم و بزهکار هستند زیرا آگاهانه دست به این عمل می‌زنند اما نکته‌ای که در این افراد مشاهده می‌شود این است که قریب به اتفاق آنها بیش تاثیر نیست. در روانی دارند که در رفتار و اعمال آنها بی تاثیر نیست. در سابقه اکثر این افراد اختلافات زناشویی، متارکه، اعتیاد و زمینه‌های رایج دیگر را می‌بینیم. وقتی اعتیاد را به

صورت فردی مورد بررسی قرار می دهیم، آن را بیماری می‌نامیم و چنین بیماری خود معلول خانواده، جامعه و محیط بیمار است، ولی این بیماری مجوزی برای عمل مجرمانه نیست. اگر فرد با توجه به بیماری که دارد به

موقع مورد درمان قرار نگیرد و مثلا مشکل زناشویی و کمبود امنیت اقتصادی و شغلی وی حل نشود، او به مرور از نظر روانی این آمادگی را پیدا می کند که مرتکب خطا شود زیرا به نوعی می توان گفت وجدان و اخلاقی به عنوان عوامل بازدارنده از ارتکاب جرائم در او از بین می‌رود و به قول عامه قبح قضیه می‌ریزد و فرد آماده می‌شود دست به اعمال مجرمانه بزند.

علاوه بر این نکته، به نظر می‌رسد جایگاه گروه‌های مداخله‌گر و تسهیل‌گری که بتوانند این افراد را در بستر خانواده، جامعه و گروه‌های محلی شناسایی کنند خیلی کم‌رنگ است البته کارهایی مانند راه‌اندازی خانه‌های سلامت محله و سلامت‌یازان شروع شده و در مدیریت شهری در حال انجام است اما این اقدامات در مراحل بسیار ابتدایی و آغازین است. پیشگیری از جرم سه مرحله دارد: در مرحله اول پیشگیری عام مطرح است و در جریان آن اجازه داده نمی‌شود افراد سالم، بیمار یا معتاد شوند. در مرحله دوم باید غربالگری صورت گیرد و به افرادی که در ابتدای بیماری هستند کمک شود و در مرحله سوم مخصوص افرادی است که بیماری آنها مزمن شده است. در این مرحله تلاش بر آن است که به چنین اشخاصی اجازه داده نشود گروه‌های دیگر را بیمار کنند. طبق آنچه که گفته شد افرادی مانند جوان کیف‌قاپی که منجر به مرگ یک زن شده است را باید در مراحل اولیه و ثانویه شناسایی کنیم چون وقتی بیماری آنها حادث شد در چنین شرایطی مداخله‌های درمانی دیگر فایده ندارد. وقتی فرد اعتیاد و وابستگی به مواد پیدا می کند برای به دست آوردن مواد باید منبع درآمد مالی داشته باشد. معنای که چنین امکانی را ندارد ناخواسته به بزهکاری، دزدی و شیوه‌های دیگر دست می‌زند همین اتفاق درخصوص متهم موردبحث نیز رخ داده است. بنابراین گروه‌های مداخله‌گر که تسهیل‌گر که آموزش‌دهندگان سلامت هستند و کار پیشگیری را انجام می‌دهند ابتدا باید از مدرسه، خانواده و رسانه‌ها کار خود را آغاز کنند. سپس باید سراغ مراحل بعدی رفت و افرادی را که مشکلات روانی دارند، شناسایی کرد. درمجموع در مورد این متهم هم می‌توان گفت در کنار اینکه مجرم است قطعا مشکلات روانی خاص خودش را دارد که باید در جای خودش رسیدگی شود. چه خوب است که یکبار این اتفاق بیفتد، درست است که اکنون داستان زورگیری و کیف‌قاپی را داریم که به قتل نفس هم منجر شده اما لازم است یکبار هم که شده مددکاران، روانشناسان، جرم‌شناسان و دیگر دست‌اندرکاران مسایل روانشناسی گرد هم جمع شوند تا بتوانیم با استفاده از این فرد، الگویی را تهیه و بررسی کنیم. چنین مجرمانی از نظر روحی و شرایط عاطفی در چه وضعی به سر می‌برند و چه چهره‌ایی منجر می‌شود که فردی دست به این اعمال بزند و تعادل روحی لازم را برای ارتکاب چنین جرایمی داشته باشد؟ با تهیه این الگو افراد دیگری که ویژگی‌های مشابه این متهم را دارند درصورت مشاهده از طرف گروه‌های مداخله‌گر و افرادی که در محلات و نواحی مختلف در مراکز بهداشتی و درمانی مشغول به کار هستند سریع‌ا به مراکز درمانی تخصصی تر و بازتوانی معرفی خواهندشد تا شاهد تکرار این گونه قتل‌ها و بزهکاری‌ها نباشیم.

● دبیر کار گروه ستاد سلامت سمن‌های شورای شهر تهران

بریده اخبار

● محموله دو هزار کیلوگرمی هرویین که قاچاقچیان قصد داشتند از ایران به اروپا منتقل کنند توسط پلیس ایران کشف شد. خطر انفجار تانکر ۲۰هزار لیتری بنزین که ساعت چهاربامداد دیروز در بزرگراه بابایی واژگون شده بود، با تلاش آتش نشانان رفع شد. سارقی که موتورسیکلت‌های مسروقه را پس از اوراق کردن به فروش می‌رساند بعد از دستگیری توسط پلیس ایلام به هشت سرقت اقرار کرد. یکی از کارگران معدن «سنگ کوه عظیم» در شهرستان تفت استان یزد، در اثر سقوط سنگ از کوه جان خود را از دست داد. جوانی که در اسفراین به جرم قتل عمد پدرش دستگیر و روانه زندان شده بود با رضایت اولیای دم مقتول از مرگ نجات یافت.